

خوانش نویسه «𐭪» در خط پهلوی ساسانی

امیر زمانی*

محیا علی خانی**

چکیده

زبان پهلوی به عنوان نیای زبان فارسی نو که نزدیک به یک هزاره زبان رسمی دو خاندان ایرانی اشکانی و ساسانی بوده است دارای ده واکه است که عبارتند از: i, ī, ē, ē, ā, a, (o), ō, u, ē البته نمی توان با قاطعیت گفت آیا «e» و «o» واج های مستقلی بوده اند یا خیر. نویسه 𐭪 دارای چندین ارزش آوایی است. از جمله، به عنوان همخوان 'h'، 'x' و همچنین به عنوان واکه 'a' یا 'ā' کاربرد دارد. در این پژوهش، به بررسی ارزش آوایی نویسه 'a' به عنوان واکه پرداخته شده است. بدین منظور که آیا این نویسه به عنوان 'a' کوتاه در جایگاه های مختلف واژه به کار رفته است یا خیر. خواهیم دید که با بسامدی کمتر این اتفاق افتاده است. در ضمن در هر جایگاهی (آغازی، میانی،

* دانشجوی دکتری زبان شناسی تاریخی تطبیقی هندواروپایی، دانشگاه لیدن، لیدن، هلند (نویسنده مسئول)

amirzamani1983@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. mahya_24may@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷



پایانی) از یک واژه که با 'a' کشیده روبرو هستیم مطمئناً این نویسه به کار رفته است. با بررسی‌های انجام شده خواهیم دید که وجود این نویسه لزوماً به معنای کشیدگی نیست و شاید تنها به این دلیل باشد که هجا را ساکن نخوانیم. هدف از این پژوهش، تعیین تکلیف املاي پُر در واژه‌های پهلوی است و تنها به واژه‌هایی اشاره داریم که در جایگاه آغازین، میانی یا پایانی واج 'a' یا 'ā' دارند. تلاش بر آن بوده است که تا حد امکان تمامی واژگان که این ویژگی را دارند بررسی شوند هر چند حتماً واژگانی از چشم پنهان مانده‌اند که البته کلیت موضوع را تغییر نخواهند داد.

کلیدواژگان: زبان پهلوی، نویسه، واج، هجا، املاي پهلوی

۱- مقدمه

زبان پهلوی یا پارسی میانه نزدیک به یک هزاره زبان رسمی دو خاندان ایرانی اشکانی و ساسانی بوده است. واژه‌های فراوانی از زبان‌های اوستایی و پارسی باستان به زبان پهلوی رسیده است و از آنجا وارد زبان فارسی نو شده‌اند. به عبارتی دیگر، زبان پهلوی نیای فارسی نو و فارسی باستان نیای زبان پهلوی در دوران باستان است و تمامی این زبان‌ها شاخه‌ای از ایرانی آغازین و هندوایرانی هستند که در نهایت ریشه همه آن‌ها به زبان هندواروپایی مادر می‌رسد.

پهلوی و پارتی شاخه غربی زبان‌های ایرانی میانه را تشکیل می‌دهند.^۱ پهلوی، زبان رسمی حاکمان محلی پارس (۲۰۰ پ.م. تا ۲۲۴ م.) و زبان شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴ تا ۶۵۱ م.) بوده و بعد از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی همچنان تا مدت‌ها مورد استفاده زردشتیان بوده است (Skjærvø 2009: 271).

^۱ برای مطالعه بیشتر درباره این تقسیم‌بندی رجوع کنید به:

Korn, A. (2019). "Isoglosses and subdivisions of Iranian". *Journal of historical linguistics*, 9(2), 239-281.

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۳

خط پهلوی دارای ۱۲ نویسه متفاوت است؛ اما همین ۱۲ نویسه نیز پیچیدگی‌های خود را دارند، چنانکه $\langle n=w=r=O \rangle$. این پیچیدگی نویسه‌ها در نسخه‌های مختلف، دشوارتر نیز می‌شود و برخی مواقع نویسه‌های متفاوت در ترکیب‌ها، اشکالی شبیه به یکدیگر پیدا می‌کنند، برای مثال: $\langle z=y=d \rangle$.

نویسه a و ترکیبات آن از چالش‌برانگیزترین نویسه‌های پهلوی است که وجود آن در واژه کار خوانش را بسیار دشوار می‌سازد. در این پژوهش تکیه ما بر کشیدگی هجا^۲ دار است که آیا وجود^۳ در یک هجا ما را به سمتی می‌برد که آن هجا را همیشه کشیده بخوانیم یا خیر و همچنین بسامد هجای کشیده بیشتر است یا هجای کوتاه. آیا وجود^۴ در جایگاه آغازین، میانی و پایانی متفاوت عمل می‌کند؟

بنابراین، تحقیقی درماتون پهلوی انجام دادیم تا مشخص شود در واژه‌هایی که دارای واج 'a' هستند چه اتفاقی رخ داده است. ابتدا تمرکز خود را بر نام‌های خاص قرار دادیم و طبیعتاً متونی را بررسی کردیم که شامل درصد بالایی از اسامی خاص هستند، همچون شهرستان‌های ایرانشهر. در مرحله بعد املا و آوانوشت اسامی را مطابقت دادیم تا به این نتیجه برسیم که این نویسه در هر بخش از واژه چگونه عمل می‌کند.

علایم اختصاری نسخه‌های استفاده شده در متن:

ŠE	شهرستان‌های ایران
BD	بندھشن
CPD	فرهنگ کوچک زبان پهلوی، مکنزی
KN	کارنامه اردشیر بابکان
DD	دادستان دینی
Purs.	پرسش‌نیها
Gab.	گجستگ ابالیس
WZ	گزیده‌های زادسپرم

PR	روایت پهلوی
MX	دادستان مینوی خرد
AZ	ایادگار زریران
NM	نامه‌های منوچهر
MFRX	ماه فروردین روز خرداد
AWN	ارداویرازنامه
WD	وجردکرد دینی
ZWY	زند بهمن یسن
ŠGW	شکند گمانیک وزار
RAF	روایت آذر فرنیغ فرخزادان
DK	دینکرد
HDW	اندرز دستوران به بهدینان
HKR	خسرو قبادان و ریدگ
MHD	مادیان هزار دادستان
ŠnŠ	شایست نا شایست
HWFP	اندرز بهزاد فرخ پیروز
pc	ارتباط شخصی با

۱-۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با خط پهلوی، حرف نویسی و آوانویسی، کتاب‌های زیادی در ایران و جهان به چاپ رسیده است و هر کدام به املاهای نویسه‌ها و ارزش آوایی آن پرداخته‌اند. ولی الله شادان در سال ۱۳۴۷ش کتاب دستور زبان فارسی میانه نوشته راسنارگویا را به فارسی ترجمه کرد که در بخش نخست ویژگی‌های خطی زبان پهلوی را بیان می‌کند (برای

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۵

اطلاعات بیشتر رک فهرست منابع). احمد تفضلی و ژاله آموزگار در سال ۱۳۷۲ش در کتاب *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن* به دستور زبان و خط و ارزش‌های آوایی نویسه‌ها پرداخته‌اند (برای اطلاعات بیشتر رک فهرست منابع). کتایون مزداپور نیز در کتاب *پهلوی آسان* به ویژگی‌های خطی پهلوی ساسانی می‌پردازد (برای اطلاعات بیشتر رک فهرست منابع). امیر زمانی نیز در سال ۱۳۹۳ش کتاب *دییاجه‌ای بر زبان پهلوی* را از شروو به فارسی ترجمه کرد که در هر درس به ویژگی‌ها و دشواری‌های هر نویسه اشاره شده است (برای اطلاعات بیشتر رک فهرست منابع).^۱

کریستوفر برونر کتاب *نحو/یرانی میانه‌ی غربی* را در سال ۱۹۷۱م (برای اطلاعات بیشتر رک به فهرست منابع Brunner, 1971) و ساموئل نوبری^۲ نیز کتاب دو جلدی خود را شامل خط، دستور و واژه‌نامه در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۷۴ م منتشر کرد (برای اطلاعات بیشتر رک فهرست منابع Nyberg, 1964, 1974).^۳

روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و با رجوع به متون مختلف پهلوی ساسانی انجام شده و برای مقایسه، املاهای پهلوی هر واژه بر اساس نسخه‌ها بازنویسی شده است.

۲- بحث و بررسی

شروو در کتاب *دییاجه‌ای بر زبان پهلوی* اشاره می‌کند که 'a' کوتاه به ندرت و 'ā' کشیده همیشه با نویسه‌ی a نوشته می‌شود (شروو ۱۳۹۳: ۳۱). خط پهلوی به طور کلی دوازده نویسه متفاوت دارد. بنابراین، هر نویسه دارای چندین ارزش است. همین موضوع باعث دشواری خط پهلوی می‌شود و در برخی مواقع خوانشی قطعی برای یک واژه را نمی‌توان پیشنهاد داد. برای رسیدن به یک خوانش قابل قبول باید از دانش

^۱ نسخه کامل این کتاب با اضافات و اصلاحات با نام *آشنایی با زبان پهلوی* زیر چاپ است.

^۲ همان «نیرگ» است که در تلفظ سوئدی «نوبری» می‌شود.

مانوی، ریشه‌شناسی و فارسی‌نو استفاده کرد که در برخی مواقع باز هم نمی‌توان تمام و کمال از خوانش پیشنهادی دفاع کرد. در پهلوی دو نوع نویسه وجود دارد؛ آن دسته که به نویسهٔ بعدی خود متصل می‌شوند و آن‌هایی که متصل نمی‌شوند. نویسهٔ a از گروه نخست است و در اتصال به نویسهٔ بعدی اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ البته در جدول شمارهٔ یک فقط ارزش‌هایی ذکر شده است که در نام‌های خاص با آن‌ها برخورد می‌کنیم.

نویسهٔ **𐬀** در ترکیب با نویسه‌های دیگر و ارزش‌های آن‌ها:

جدول ۱. تهیه و تنظیم نگارندگان

اتصال نویسه	حرف نوشت	آوا نوشت			
𐬀	^ʔ m	ām	𐬀𐬀𐬀	āmurz-	آمرزیدن
𐬀	^ʔ s/ ^ʔ hs / ^ʔ gy	ās/as/xas/āγ	𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	aspast xastan āgištāg	اسپست صدمه زدن آغشته
𐬀	^ʔ t/ht	ād/ad/Āθ/xt	𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀	ātaxš abādixšā(y) Āθβiyān abrōxtan	آتش بی قدرت اسفیان
𐬀	^ʔ p/ ^ʔ c/ ^ʔ hp/ ^ʔ hc/	ab/āb/af/āf/āz/haf/haz/āw	𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀	abar/ awištāb/ afsān/ āfrīn anāzarm āwāz haftār	ابر شتاب افسانه بی آرم آواز

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۷

			𐭥𐭮𐭥 𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮	hazār	کفتار هزار
𐭮𐭮	𐭮𐭮/hš	aš / āš /aj /hiš /xš	𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮	aš asōhišn ajgahān ātaxš	چشم بی احساس تنبل آتش
𐭮	𐭮n/hn/w𐭮w/hw	an/han/ū/āw/hu/ō/u/ox	𐭮𐭮𐭮 - 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮 𐭮𐭮𐭮	angūr handōz- ābū-jafar āmāwand huniyāg huōrōn uštar passox	انگور اندوختن ابوجعفر قدرتمند دلچسب زیبا از جلو شتر پاسخ
𐭮𐭮	𐭮	ar/ār	𐭮𐭮	arg aβzār	سختی

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۹

			𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	wihīr	زن تغییر
--	--	--	-------------------------	-------	-------------

برای بررسی ارزش آوایی نویسه a، ابتدا بیش از صد نام خاص در برخی از متون پهلوی بررسی و در جدول زیر ذکر شده‌اند. درضمن در صورتی که خوانشی متفاوت و قابل قبول را بتوان ارائه داد در بخش «خوانش متفاوت» نوشته شده است. البته اگر این خوانش متفاوت، بر خوانش رایج ترجیح‌پذیر باشد، در بخش توضیحات، مجدد به آن پرداخته شده است.

جدول ۲. تهیه و تنظیم نگارندگان

	آوانوشت	حرف‌نوشت	خط پهلوی	خوانش متفاوت	معنا	منبع
۱	Abū-dawānīg	ᵛbwdwᵛnyg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥		«ابودوانیق»	ŠE 60
۲	Abū-jafar (pc W. Malandra)	ᵛbwjᵛfl	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	Abū-gāfar	«ابوغافر، ابوجعفر»	ŠE 60
۳	Abū-nasr	ᵛbwnsr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥		«ابونصر»	COLOPHO NS PT4, MF4, R-592
۴	Abarsēn	ᵛplsyn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥		«نام یک کوه»	BD11A.17
۵	Ahlišwang	ᵛhlyšwng	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥		«همان Ard»	BD 12.5; DK 7.4.81
۶	Akōman	ᵛkᵛwmn'	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥		«نام دیو»	BD 1.52 ⁵³ c

۷	Aleksandar	² lksndl	سکونکود		«اسکندر»	ŠE 53
۸	Anastōw	² nstbw	آنستو	<i>Anastox</i>	«نام شخص»	BD35.12*
۹	Ardawān	² ldw ² n'	اردوان		«اردوان»	KN 1.4
10	Ardaxšahr	² rthštl	اردشیر		«اردشیر»	BD 35.36
۱۱	Arda(x)šīr	² lt(h)šdl	اردشیر		«اردشیر»	KN 1.1
۱۲	Armāyīl	² lm ² yl	ارمایل		«نام منطقه»	ŠE 28.
۱۳	Arwandāsp	² lwnd ² sp	ارونداسب	<i>Arwand-asp</i>	«ارونداسب»	ŠE 57
۱۴	Arzāsp	² lc ² sp	ارزاسپ		«نام شخص»	DK4.3.1 ²¹
۱۵	Ašwahišt	² šwhšt '	اشه وهشت		«اشه وهشت»	BD35a.8
۱۶	Az(i)dahāg	² cydh ² k '	ازیداهگ	<i>až-dahāg/ aži dahāg/ Azīdahāg</i>	«ضحاک، ازیداهگ»	DD 71.3/ DD 74.2/ DD 26.34/17
۱۷	Ādurbādagān	² twrp ² tk ² n	آذربادگان		«آذرباد»	BD 9.29
۱۸	Āspiyān	² spyy ² n	آسپیان		«آسپیان»	DK 7.2.70
۱۹	Aškān	² šk ² n'	اشکان		«اشکان»	ŠE49
۲۰	Šāmard	² mlt	شامارد		«نام شخص»	COLOPHO N DJJ (VIDEVDA D)
۲۱	Āmōy	² mrd	آمل	<i>Āmard</i>	«آمل»	ŠE 59

۲۲	*Arhest	ʔlhyst	سر سحریم	Ārhest	«نام منطقه»	ŠE 51
۲۳	arwand	ʔlwnd	سراد		«نام یک رود»	Purs. 24.1
۲۴	Āškar (pc W. Malandra)	ʔškl	سر سوك	Aškar (Daryae 56)/ Askar (pc P.O. Skjærvø)	«نام منطقه»	ŠE 55
۲۵	Baydād	bkdʔt'	رود بیداد		«بغداد»	GAb.2.2
۲۶	Bast	bst'	رود بست	Bost	«بست»	ŠE ۳۶
۲۷	Bastwar	bstwl	رود بستوار	Bastūr (Daryae 48)	«بستور»	ŠE ۳۶
۲۸	Baxt-xōsrō	bht hwslw	رود بخت خسرو	Baxt-husrōy	«بخت خسرو»	ŠE 50
۲۹	Bāβel	bʔpyl	رود بابل		«بابل»	DK7.4.72
۳۰	bēwarasp	bywʔsp	رود بیوراسب		«بیوراسب»	BD 29.13 ^{9*} ; DD 38.21
۳۱	Brādar-waxš	bʔtlwhš	رود برادر و خش	Brādarōxš	«برادر و خش»	WZ9.2
۳۲	Brādōrōš	bʔtlwłwš	رود برادر و روش	Brādarōš	«برادر و روش»	PR 47.23
۳۳	Čīhrāzād	cyhʔcʔt'	رود چهر آزاد	Čīhr āzād (Daryae 51)	«چهر آزاد»	ŠE 45
۳۴	Dārābgird	dʔpʔkrt'	رود دارا بگرد	Dārābgerd	«دارا بگرد»	ŠE 42
۳۵	Dārāy	dʔpy	رود دارا		«دارا»	ŠE 42
۳۶	Dūrāsraw	dwʔslwb'	رود دور اسرو		«دور اسرو»	BD35a.3

۳۷	Ērān-āsān-kard-Kawād	<i>ʔyʔn ʔsʔn-krt-kwʔt'</i>	سدرن ۱۶ سوس ۱۴۱۱۱۴۱۱۱۴ سدرن ۱۶	Ērān-āsān-kerd-Kawād	«ایران آسان کرد قباد»	ŠE 54
۳۸	Ērān-Gušasp	<i>gwšsp</i>	سوس ۱۶		«ایران گشسب»	ŠE 56
۳۹	Frangrāsiyāb	<i>plngʔsydʔp</i>	سدرن-سوس ۱۶	Frangrasiyāb	«افراسیاب»	PR. 48.45
۴۰	Frangrāsiyāk	<i>plngʔsydʔk</i>	سدرن-سوس ۱۶	Frangrāsiyāg/ Frangrasiyāg	«افراسیاب»	DK7.1.39, 7.2.69
۴۱	Frāh	<i>pʔh</i>	سدرن ۱۶	<plʔhw>	«فراه»	ŠE 37
۴۲	Frāsiyāb	<i>pʔsydʔp</i>	سدرن-سوس ۱۶	Fraisiyāb	«افراسیاب»	BD32.6; DK7.2.68
۴۳	Frikā	<i>plykʔ</i>	سدرن ۱۶	Frīgā	«آفریقا»	ŠE 33
۴۴	Frāsiyāk	<i>pʔsydʔk</i>	سدرن-سوس ۱۶	Frāsiyāg	«نام شخص»	MX7.29/18
۴۵	Ganʔag	<i>gnck'</i>	سوس ۱۶	Ganzag (Daryae 56)	«گنجه»	ŠE 58
۴۶	Gazīrag (Daryae 32)	<i>gzylk'</i>	سوس ۱۶	Jazīrag	«الجزیره»	ŠE 32
۴۷	Gurgān	<i>gwlgʔn'</i>	سوس ۱۶		«گرگان»	ŠE 17
۴۸	Hamadān	<i>hmdʔn'</i>	سوس ۱۶	Hamdān	«همدان»	BD12.9*
۴۹	Gēβag	<i>gypkʔn'</i>	سوس ۱۶	Gēwag	«گیو»	ŠE ۲۱
۵۰	Harē	<i>hʔy</i>	سوس ۱۶		«هرات»	ŠE ۱۲

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۱۳

۵۱	Hērat	<i>hylt'</i>	𐭠𐭥𐭩	Hirat	«هرات»	ŠE 25
۵۲	Gōdarz	<i>gwtlc</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«گودرز»	ŠE 35
۵۳	Gōhram	<i>gwhlm</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«نام شخص»	ŠE 9.
۵۴	Gulaxšān	<i>gwlhš'n</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥		«نام منطقه»	ŠE 57
۵۵	Gurgān	<i>gwlg'n'</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«نام منطقه»	BD 9.35; DD 3.102.4
۵۶	humāy	<i>hwm'y</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«همای»	AZ 77
۵۷	kāūs	<i>k'aws</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥	Kāy-us/ Kāyūs	«کاووس»	ŠE 2
۵۸	Karazm	<i>klcm</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«کرزم»	ŠE 14
۵۹	Karkōy	<i>klkwd</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«کرکوی»	ŠE 38
۶۰	Kēsar	<i>kysl</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«قیصر»	DK7.8.42
۶۱	Kay-xōsrō-šād	<i>kdhwslwd</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥	Kay-husrōy	«کی خسرو»	ŠE 3
۶۲	Kirmān	<i>klm'n'</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«کرمان»	KN 6.2
۶۳	Kāβul	<i>k'pwl</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«کابل»	KN 14.19
۶۴	Kāyēn	<i>k'yn'</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«کاین»	ŠE 16
۶۵	Luhrāsp	<i>hwlp'sp'</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«لهراسب»	ŠE 6
۶۶	Madīnag	<i>mdynk'</i>	𐭠𐭥𐭩𐭥		«مدینه»	ŠE 33

۶۷	Manūčīhr	<i>mnwcyhl</i>	𐭮𐭣𐭮𐭥𐭥𐭮		«منوچهر»	ŠE 6
۶۸	Marw	<i>mlw</i>	𐭮𐭣, 𐭮𐭥		«مرو»	ŠE 12
۶۹	Mašā	<i>mš^ə</i>	𐭮𐭥𐭮	Mašiy	«مشیه»	Dk.5.3.3
۷۰	Mānī	<i>m^ənyy</i>	𐭮𐭥𐭮	Mānīy	«مانی»	Dk.5.3.3
۷۱	Mīhrzād	<i>mtr'z^ət'</i>	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	Mīhr-zād	«مهرزاد»	ŠE 25
۷۲	Nēw-Šābuhr	<i>nywš^əpwhl</i>	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥		«نیشابور»	NM 2.1.2
۷۳	Narseh	<i>nwrasyh</i>	𐭮𐭥𐭮𐭥		«ترسه»	BD 35.3
۷۴	Nihāwand	<i>nyh^əwnd</i>	𐭮𐭥𐭮𐭥		«نهایوند»	ŠE 27
۷۵	Nōdar	<i>nwtl</i>	𐭮𐭥𐭮		«نودر»	BD 35.15
۷۶	Ohrmazd	<i>^əwhrmzd</i>	𐭮𐭥𐭮𐭥, 𐭮𐭥𐭮𐭥		«اورمزد»	BD 36.8
۷۷	Ōrhāy	<i>^əwlpy</i>	𐭮𐭥𐭮		«اوهرای»	ŠE 23
۷۸	Ōšag? (Daryae 54)	<i>^əwšk'</i>	𐭮𐭥𐭮		«وشگ»	ŠE 52
۷۹	Pārs	<i>p^əls</i>	𐭮𐭥𐭮, 𐭮𐭥𐭮		«پارس»	GAb.2.1
۸۰	*Palābād	<i>p^əlp^ət</i>		Pilābād (Daryae 52)	«پیل آباد»	ŠE 48

^۱ در نسخه‌های K20 و K20b به صورت اسلوی با املای پر ضبط شده است و در شهرستان‌های ایران‌شهر

به صورت **الینس**

۸۱	Pargān	<i>plkʰn</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥	Fragān	«نام منطقه»	BD11a.15
۸۲	*Pahlēzag	<i>*phlyckʰ</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	Pahlīzag (Daryae 18) Pahlēzag (Daryae 76) Pāhlēzag	«نام شخص»	ŠE 15
۸۳	Pābag	<i>pʰpkʰ</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥		«بابک»	KNA 1.3
۸۴	Pōšang	<i>pwšng</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥		«پوشنگ»	ŠE 13
۸۵	Rahām	<i>lhʰm</i>	𐭯𐭥𐭥		«رهام»	ŠE 35
۸۶	Raxwat	<i>lhwt</i>	𐭯𐭥𐭥		«رخوت»	ŠE 35
۸۷	Rām-Hormazd	<i>ʔm hwrnzd</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	Rām-ohrmazd	«رام هرمزد»	ŠE 46
۸۸	*Rōdestahm	<i>lwtsthm</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥		«رستم»	DA71
۸۹	Salm	<i>slm</i>	𐭯𐭥𐭥		«سلم»	MFRX 15
۹۰	Samarkand	<i>smlknd</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		«سمرقند»	ŠE 2
۹۱	Siyāwaxš	<i>syʷwhš</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		«سیاوش»	ŠE 2
۹۲	*Spandyād	<i>spndyʰt</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥		«سپندیاد»	ŠE 8
۹۳	Simrān	<i>smlʔnʰ</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥	Semrān	«نام شخص»	ŠE 50
۹۴	Spenjagr	<i>spncgl</i>	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	Spinjaruš/ Spinjarišk/ Spinjagr	«نام شخص»	BD18.2 ⁵ / BD18.2* / DK 3.112.9

۹۵	*Sukandar	<i>swkndl</i>	سکندر	Skandar	«سکندر»	ŠE 5
۹۶	Šābuhr	<i>š²pwhl</i>	شاپور		«شاپور»	KNA 10.17
۹۷	Šūstar (Daryae 47)	<i>šwstl</i>	شوستر	Šostar	«نام شخص»	ŠE 47
۹۸	Šād-farrox-xōsrō	<i>š²tplhwhwsl wb</i>	شادفرخ خسرو	Šād-farrox- husrōy	«شادفرخ خسرو»	ŠE 19
۹۹	Tūzag	<i>twck</i>	توز		«نام شخص»	ŠE 45.
۱۰۰	*Tužāβ	<i>twc²p</i>	توزاب	Tuzāb/ Tužāβ	«نام شخص»	ŠE 9.
۱۰۱	Uzaw	<i>²wzwb'</i>	اوزو		«اوزو»	DK 7.1.31
۱۰۲	Wahman	<i>whwmn'</i>	بهمن		«بهمن»	AWN 11.3a
۱۰۳	Wisp-šād-xōsrō	<i>wspš²t hwslwd</i>	ویسپ شاد خسرو	Wisp-šād- husrōy	«نام منطقه»	ŠE 19.
۱۰۴	Xrūtāsp	<i>hlw²sp</i>	خرتاسپ	<i>Xrutāsp</i>	«نام شخص»	BD 35.7*
۱۰۵	mustābād	<i>mws²p²t'</i>	مستاباد		«نام منطقه»	ŠE 19.
۱۰۶	Yazdegird	<i>yzdkrt</i>	یزدگرد	Yazdgerd	«یزدگرد»	Dk.5.22.4
۱۰۷	Yaman	<i>ymn'</i>	یمان		«یمان»	ŠE 33
۱۰۸	Zardu(x)št	<i>zltw(h)št'</i>	زردشت		«زردشت»	MFRX.1
۱۰۹	Zarēr	<i>zlyl</i>	زریر		«زریر»	BD 35.36

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۱۷

۱۱۰	Maswar	<i>mswl</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎		«مسور»	ŠE 50.
۱۱۱	Gōbedšā	<i>gwpytš</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎		«گوبدشا»	BD 35.23

جدول زیر شامل نام‌هایی است که برای 'a' کوتاه از نویسه a استفاده شده است:

جدول ۳. تهیه و تنظیم نگارندگان

۱	Arzah	<i>ʔlzʔh</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎	«ارزه»	BD 5b.9*
۲	Baxl	<i>bʔhl</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎	«بلخ»	ŠE 8
۳	Gayōmard	<i>gʔywkm̥lt'</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎	«کیومرث»	DK3.23.1
۴	Hamadān	<i>hʔnmtʔn'</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎	«همدان»	BD12.9*
۵	Kūfah	<i>kwpʔh</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎	«کوفه»	ŠE 33
۶	Manuščīhr	<i>mʔnwšcyhl</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎	«منوچهر»	BD35.26
۷	Makkah	<i>mkʔh</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎	«مکه»	ŠE 33
۸	Spahān	<i>spʔhʔn</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎	«سپاهان»	DD16.5
۹	Zāwalistān	<i>zʔwʔlstʔn</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎	«زاولستان»	ŠE 37
۱۰	Mašya(g)	<i>mʔšy(k)</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎(و)	«نام نخستین زوج بشر»	DK3.12.2
۱۱	Mašyānag	<i>mʔšyʔnk</i>	𐭌𐭎𐭕𐭎𐭕𐭎	«نام نخستین زوجه بشر»	DK3.12.2

۱۲	Nahr-tīrag	<i>n^hhtylk'</i>	اس-ه-م-ط-ل-وا	«نهر تیرگ»	ŠE 49
----	------------	----------------------------	---------------	------------	-------

در جداول بالا بیش از صد اسم استخراج شده از متون پهلوی مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که وجود نویسهٔ a به هیچ‌عنوان دلیلی بر کشیده نوشتن آن هجا در یک واژه (در این جا اسم خاص) نیست. در برخی موارد وجود این نویسه فقط برای تأکید بر این است که آن هجا را ساکن نخوانیم. اما برای نشان دادن هجای کشیده حتماً به این نویسه نیاز داریم. در واژهٔ پهلوی <hwnl^hwnd> hunarāwand «هنرمند، ماهر» شاید بتوان واژه را hunarawand خواند، قس. اوستایی hunara- و - hunarauuant.

هرگاه این نویسه در جایگاه آغازین واژه قرار بگیرد؛ یا اشاره به 'a' کوتاه دارد و یا کشیده. تشخیص آن تنها با مواردی غیر از خط امکان‌پذیر است. در موارد موجود، بسامد بیشتر مربوط به 'a' کوتاه است.

در جایگاه میانی نیز به همین شکل در اکثر موارد نشان دهندهٔ هجای کشیده است و در موارد کمی بیانگر هجای کوتاه است. در جایگاه پایانی اما- با این که واژه‌هایی با 'a' پایانی به طور کلی کم بسامد هستند- همیشه نشانگر هجای کشیده است.

اگر نام نخست در جدول شماره یک را به صورت ^hbwj^hfl حرف نویسی کنیم و آن را **Abū-jafar** بخوانیم می‌توان گفت که املای ^h برای بیان «ع» عربی به کار رفته است. اما اگر آن را **Abū-gāfar** بخوانیم که همان قانون کلی است و ^h نشان دهندهٔ 'ā' کشیده است. نام شماره هشت نیز با املای ^h در جایگاه آغازین شروع شده است و 'a' کوتاه خوانده می‌شود، هر چند دربارهٔ خوانش کلی این واژه پیشنهاد نگارندگان براساس نسخهٔ *k20b* و *k20a* و اوستایی **𐬀𐬎𐬎𐬀** (Pakzad 2005: 392 anastox) است.

در واژهٔ **𐬀𐬎𐬎𐬀** *twnd^hsp* باید ^h میانی را در شروع واژهٔ بعدی در نظر گرفت چرا که این نام از ترکیب (Mackenzie 1986: 11) **arwand** به معنای «تیزتک، دلیر» و *asp* (ibid: 12) «اسب» است که هر دو در پهلوی به کار رفته و معنا دار است و

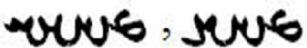
خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۱۹

خوانش ترجیحی ما **Arwand-asp** است؛ قس. اوستایی *auruuat.aspa*. واژه بعدی اما چنین وضعیتی ندارد و بهتر است آن را همان **Arzāsp** بخوانیم چرا که ترکیب مشخصی در پهلوی ندارد.

شماره بیست و یک، **𐭠𐭣**، را تورج دریایی **Āmōy** خوانده است و آن را همان **Āmol** می‌داند (Daryaei 2002: 57) اما می‌توان آن را با همان معنی **Āmard** نیز خواند: $\text{Ἀναδοί} < *āmr̥da >$ یونانی (pc W. Malandra). در واقع **Āmol** یک تحول معمول از فارسی باستان است: $\text{r̥d} > \text{ul}$ فارسی باستان (نک. Nyberg 1977: 14). شماره بیست و هشت را تورج دریایی در شهرستان‌های ایرانشهر **Bastūr** (دریایی ۲۰۰۲: ۴۸) خوانده است، اما خوانش **Bastwar** نیز بر اساس املا درست است و اوستایی *bastawairi* «پسر زیریر» نیز آن را بیشتر تأیید می‌کند (pc W. Malandra).

شماره سی و دو *bPtlwhš* را غالباً **Brādar-waxš** خوانده‌اند که بر اساس املا می‌توان **Brādarōxš** هم خواند البته این نام صورت‌های دیگری هم در پهلوی دارد^۱ اما به نظر می‌رسد که صورت درست همین **Brādar-waxš** باشد و معنای آن «فزاینده برادران» (Nyberg 1977: 49) است. به نظر می‌رسد صورت **Brādōrōš** صورت تغییر یافته همین نام باشد.

واژه شماره هفتاد **Mašā mš** را می‌توان **Mašīy** نیز خواند. این واژه در نسخه‌های مختلف املاهای متفاوتی دارد:

	$\text{Mašīy} < \text{mšyḏ}, \text{mšydy} >$
---	--

^۱ Brādōrōš / Brādrōrēš

۲۰ پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال سوم شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱

در جدول شماره سه واژه **Zāwalistān** که حرف نویسی $z^w^l\text{st}^n$ دارد پیشنهاد نگارندگان بر اساس واژه‌هایی همچون z^w^hl و $suxr$ سرخ و z^w^hl این است که **Zāwulistān** خوانده شود.

واژه‌هایی هر چند اندک در نسخه‌ها وجود دارند که با هر دو املا دیده می‌شوند:

جدول ۴. تهیه و تنظیم نگارندگان

۱	Gušnasp	$gwsn^{\text{sp}}$	𐬰𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎		«گشنسب»	ZWY 6.10
۱	Gušnasp	$gwsnsp$	𐬰𐬀𐬎𐬎𐬎		«گشنسب»	KNA 1.11
۲	Mahlīy	m^{hlyd}	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	Mahlīy/ Mihriy Mahlē (Pakzad 2003: 181)	«نام نخستین زوج بشر»	BD 14.16
۲	Mahlīy	$mhlydy$	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎		«نام نخستین زوج بشر»	PR46.37
۳	Mahlyānīy (pc P.O. Skjærvø)	$m^{\text{hlyd}}nyd$	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	Mahlyānīy/ Mihriyānīy/ Mahlyānē (Pakzad 2003: 181)	«نام نخستین زوجه بشر»	BD 14.16
۳	Mahlyānīy (pc P.O. Skjærvø)	$mhlyd^{\text{nyd}}$	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎		«نام نخستین زوجه بشر»	PR46.37
۴	Wahrām	$w^{\text{hl}}m$	𐬀𐬎𐬎𐬎		«بهرام»	DK3.192.14

خوانش نویسه «a» در خط پهلوی ساسانی ۲۱

ε	Wahrām	<i>wlh²n¹</i>	ا-ه-ر-ا-م	«بهرام»	WD.13.1
---	--------	---------------	-----------	---------	---------

۱-۲- املای پُر در واژه‌هایی غیر از نام خاص:

همانطور که در نام‌های خاص به وضوح دیده شد همیشه املای پُر نشان دهنده هجای کشیده نیست و این قانون در مورد اسم‌های دیگر در پهلوی نیز صادق است، برای مثال:

جدول ۵. تهیه و تنظیم نگارندگان

adahm	<i>ᵈd²hm</i>	ا-د-ا-م	ناآگاه	DK 9.12.27
bahr	<i>b(²)hl</i>	ب-ا-ر-ه	سهم، بخش	DK9.21.7
baxt	<i>b(²)ht'</i>	ب-ا-خ-ت	بخت، اقبال	HWFP 0
dahlīz	<i>d²hlyc</i>	د-ا-ه-ل-ی-ز	دهلیز	ŠnŠ. 2.10
dahm	<i>d²hm</i>	د-ا-م	پرهیزگار	DK3.48.5 (3)
dahmān āfrīn	<i>d²hm²n' ²pryn'</i>	د-ا-م-ا-ن ا-ف-ر-ی-ن	نام یک ایزد	DK3.82.2
dahom	<i>d²hwm</i>	د-ا-م	دهم	DK3.229.10
frawahr	<i>plw²hl</i>	ف-ر-ا-ه-ر	فروهر	DK7.2.46

۱. به احتمال زیاد صورت قدیمی‌تر این نام است و یا به تقلید از اوستا است. قس. اوستایی *waraθrayna-*

gahl	<i>g(ʔ)hl</i>	ویدک، ویدک	ذرت خوشه‌ای	BD 16.11
*hamahl	<i>hmʔ hl</i>	سپیدک	رفیق	MX 1.77/47
nay	<i>nʔd</i>	اسد	نی	DK 6.131
pah	<i>pʔh</i>	رشد	گوسفند	DK 7.1.23
Pahlawīg	<i>pʔhlwbyk'</i>	رشد، روستا	پهلوی	
pahlom	<i>pʔhlwm</i>	رشد	بهترین	DD.3.4
pahlūg	<i>pʔhlwk'</i>	رشد	پهلو	BD 24d.12
pahn	<i>pʔhn '</i>	رشد	پهن	HKR 96
pahr	<i>pʔhl</i>	رشد	محافظ	
¹ pahrēxtan, pahrēz-	<i>pʔhlyhtn ', pʔhlyc-</i>	رشد، - رشد	دوری کردن؛ محافظت کردن	HDW 29
pahrēz	<i>pʔhlyc</i>	رشد	محافظت	RAF.82.1
riyahrīh	<i>ldʔhlyh</i>	رشد	ریشخند	AWN.100.1
Sawah	<i>swʔh</i>	سوه	سوه	BD 5b.11
wahmān	<i>wʔhmʔn'</i>	اسد	فلان و بهمان	MHD 45.4

xwahl	hw ² hl	𐭪𐭮𐭮𐭮	خمیده	ŠGW.5.77
yōždahr	ywšd ² sl	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	پاک، مقدس	WD 89.2
zahag	z ² hk'	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	فرزند، نسل	DK9.60.4
zahr	z ² hl	𐭮𐭮𐭮	زهر	AWN.84.3
zayistan	z ² dstn'	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	درخواست کردن	RAF.16.2

واژه‌هایی که در جایگاه میانی ² ندارند را دلیل ندارد به صورت کشیده حرف‌نویسی کنیم، برای مثال دو ماه سال در متون پهلوی به صورت *hwrđt'* 𐭪𐭮𐭮𐭮 آمده‌اند و بهتر است به صورت *Hōrdad* و 𐭪𐭮𐭮𐭮 و *m(w)rdt'* را به صورت *Amurdad* آوانویسی کنیم.

واژه پهلوی برای «شاه» به صورت غیر هزوارش آن *šh* 𐭮𐭮 است که به طور معمول *šāh* (CPD 79) آوانویسی می‌شود. بدون در نظر گرفتن حرف نویسی مانوی و پارتی که *š²h* است و فارسی باستان آن *xšāyaθya* شاید بتوان به آوانوشت *šah* نیز رأی داد؛ قس. فارسی نو «شاه» و «شه». همین شرایط را می‌توان به واژه 𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮 *šāhīgān šhyk²n'* به معنای «کاخ» نیز تعمیم داد چرا که بخش اول واژه احتمالاً به قیاس با *šh* نوشته شده است؛ درحالی که مانوی و سغدی آن هر کدام به ترتیب *š²hyk²n* (Meisterernst 2004: 314) و *š²ykn* (Gharib 1995:371) است.

واژه *pahr* و قطعیت در خوانش آن بسیار دشوار است، از این‌روی که در متون مانوی هم به صورت *p^hhr(g)byd* (Meisterernt, 2004: 289) و هم به صورت مانوی و پارتی *phrg* (Meisterernt 2004: 274) ذکر شده است. املای <-^h-> گهگاه آوانویسی کاملاً متفاوتی دارد و به صورت *e* آوانویسی می‌شود: (شروو ۱۳۹۳: ۳۲)

جدول ۶. تهیه تنظیم نگارندگان

مه‌مان	<i>m^hhm^hn'</i>	<i>mehmān</i>	«مهمان، صمیمی»	WZ.27.11
س‌ن‌خ‌ر	<i>sn^hhl</i>	<i>snexr</i>	«برف»	AWN.55.1

اگرچه ممکن است *snexr* را به صورت [snyhl] (CPD 75) حرف‌نویسی می‌کند.

۳- نتیجه‌گیری

- املای پُر (وجود نویسه *a*) به هیچ‌عنوان نشان دهنده کشیده بودن هجا نیست.
- گاهی وجود املای پُر تنها برای نشان دادن این موضوع است که هجا نباید ساکن باشد.
- در اکثر مواقع املای پُر در جایگاه آغازین نشان دهنده هجای کوتاه است و با بسامد کمتری هجای کشیده را می‌رساند.
- بسامد هجای کشیده با املای پُر در جایگاه میانی بسیار بیشتر است.
- وجود نویسه *a* در جایگاه پایانی همیشه کشیدگی را نشان می‌دهد.
- واژه‌هایی وجود دارند که هر دو املا را در متون دارند، قس. فارسی نو: ماه ~ مه، شاه ~ شه، راه ~ ره، سپاه ~ سپه، سیاه ~ سیه، گناه ~ گنه، نگاه ~ نگه
- املای پُر (به جز موارد معدودی) همیشه در هجای مختوم به <-^h-> *āh* قرار می‌گیرد.
- در فارسی نو تمامی واژگانی که هر دو املا پُر و مخفف دارند نیز واژه‌هایی هستند که از فرمول پهلوی پیروی می‌کنند.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۸۲). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. تهران: معین.
- راستارگویا، ویکتور سرگیویچ (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی میانه*. ترجمه ولی الله شادان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- شرو، پردس اکتو. (۱۳۹۳). *دییاجه ای بر زبان پهلوی*. ترجمه امیر زمانی. تهران: نیک خرد.
- مزدایور، کتایون؛ وزوایی، فرزانه؛ مهموئی، نسیم (۱۴۰۰). *پهلوی آسان، آموزش زبان فارسی میانه ساسانی*. تهران: اساطیر.
- Brunner, C. J. (1971). *A syntax of western Middle Iranian*. Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Daryaei, T. (2002). *Šahrestānīhā ī Ērānšahr: A Middle Persian Text on Late Antique Geography, Epic, and History: with English and Persian Translations and Commentary (No. 7)*. Costa Mesa, California: Mazda Pub.
- Nyberg, H. S. (1974). *A manual of Pahlavi (Vol. II): Glossary*. Wiesbaden-Erbenheim: Otto Harrassowitz Verlag.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian [Dictionary of Manichaean Texts III: Texts from Central Asia and China I. Corpus Fontum Manichaeorum Subsidia]*. Brepols.
- Gharib, B. (1995). *Sogdian Dictionary. Sogdian-Persian-English Dictionary*. Tehran: Farhang.
- Korn, A. (2019). "Isoglosses and subdivisions of Iranian". *Journal of historical linguistics*, 9(2), pp: 239-281.
- MacKenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Nyberg, H. S. (1964). *A manual of Pahlavi (Vol. I): I-Texts, Alphabets, Index, Paradigms*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz Verlag.
- Nyberg, H. S. (1974). *A manual of Pahlavi (Vol. II): Glossary*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz Verlag.
- Pakzad, F. (2005). *Bundahišn: Zoroastrische Kosmogonie und Kosmologie*. Kritische Edition. Tehran: Centre for the Great Islamic Encyclopaedia.
- Skjærvø, P. O. (2009). "Middle West Iranian". In G. Windfuhr (Eds.), *The Iranian languages*. New York. pp. 196- 278.
- Zamani, A. & Abedi, M. (2022): *Pahlavica*: <https://www.pahlavica.org>

Pahlavi words spelled with “𐬀”

Amir Zamani*

Mahya Alikhani**

Abstract

Pahlavi language is the ancestor of New Persian and the language itself is descended from Old Persian. The language has been the official language of the two Iranian dynasties for hundreds of years and even a millennium. Pahlavi has a very difficult script since each character has various values. Zoroastrian middle Persian has ten vowels: i 𐬀 (e), ē 𐬀, ā 𐬀 (o), ō 𐬀, u 𐬀, and it is not obvious whether “e” and “o” were phonemes. The character “a” has some values as vowels and consonants and in this paper, the vowel value is studied. It can be rendered short “a” and long “ā” in the initial, medial and final positions. We will show that it does not always render long “ā” and sometimes are considered “mater lectiones” which must be rendered as short “a”. In the initial position with a low frequency it is long “ā” and in the medial position with a high frequency is long “ā”. In the final position it is always rendered as long “ā”. We have tried to investigate all the words having the above-mentioned features however surely some may have been ignored. First off, the proper nouns have been studied and then it was done for all the words following the same pattern. One thing which was comparable to New Persian was the words having two spellings. In New Persian there are some pairs, rah¹, rah (way); gah, gah (time); šah, šah (king), etc, with one pair being considered as the abbreviated form of the other. While it is true, the reason lies in Pahlavi writing rules and applies mostly to those syllables ending in -āh <-h>.

Keywords: Pahlavi; grapheme; phoneme; syllable; Pahlavi spelling.

* Ph. D. student, Comparative Indo-European Linguistics, Universiteit Leiden, Netherlands (Corresponding Author). amirzamani1983@yahoo.com

** M. A. Persian Language and Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. mahya_24may@yahoo.com